

نقش آموزش در ارتقای توانمندی زنان در برابر خشونت خانگی با تأکید بر آموزه‌های قرآنی

زینب گیلانی^۱

مسعود راعی^۲

چکیده

خشونت در خانواده با توجه به پیامدهایی همچون تأثیرات منفی بر کودکان و سلب امنیت و آرامش اعضای خانواده بحث مهمی است؛ این رفتار ناشی از عوامل مختلف فردی و شخصیتی، ارتباطی و تعاملی، اجتماعی، اقتصادی و نیز خالی بودن از معنویت است. اشکال خشونت نیز شامل خشونت‌های روانی، اجتماعی، اقتصادی، فیزیکی و جنسی می‌شود. قرآن کریم به انواع خشونت‌ها در خانواده اشاره کرده و راهکارهایی برای از بین بردن آن بیان فرموده است. این مقاله برای پاسخ به پرسش چگونگی نقش آموزش زنان در پیشگیری، کنترل یا درمان خشونت خانگی با تأکید بر نگاه قرآن کریم به این مسئله به رشته تحریر درآمده است. در پاسخ به این پرسش باید گفت فقدان آگاهی و ضعف مهارتی از مهم‌ترین موانع حل مشکل خشونت در خانواده است و آموزش زنان به عنوان عضو اثرگذار در خانواده و اجتماع در ارتقای کیفیت زندگی خانوادگی اثرات مثبت دارد و این آموزش توسط خانواده و افراد خبره و تحصیل کرده در این زمینه در قالب کارگاه‌های آموزشی قبل، هنگام و بعد از ازدواج به شکل آموزش‌های مهارتی، دینی، اخلاقی، اصول روابط مناسب، شناخت علل و موقعیت‌های خشم و مواردی مانند آن می‌تواند صورت پذیرد.

کلیدواژه‌ها: خشونت، خشونت خانوادگی، آموزش زنان، کنترل خشونت، درمان خشونت.

۱. دکتری تخصصی فقه و حقوق، مدرس حوزه و دانشگاه؛ (نویسنده مسئول) zeinabgilani@gmail.com

۲. استاد تمام و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد؛ masoudraei@yahoo.com

مقدمه

بزرگ‌ترین سرمایه‌های انسان حق حیات، آزادی، آرامش و امنیتی است که به او هدیه داده شده است و در دنیای امروزی انسان بیش از گذشته احساس آزادی دارد. هرچند که ارتباطات در دنیای امروز بسیار ساده‌تر از گذشته شده است؛ ولی با این حال جرائم خشونت‌بار بیشتر از گذشته در میان انسان‌ها وجود دارد که ریشه آن‌ها را می‌توان در رفتارهای خشونت‌آمیز در خانواده جستجو کرد.

اهمیت و نقش خانواده در جامعه به‌گونه‌ای است که نقص‌ها و قوت‌های آن می‌تواند بر اجتماع تأثیر گذارد. یکی از نقص‌هایی که ممکن است در خانواده وجود داشته باشد، خشونت است. این رفتار علاوه بر ایجاد مانع برای دستیابی به اهداف تک‌تک اعضای یک خانواده، جامعه را نیز درگیر کرده، به افزایش خشونت در جامعه می‌انجامد. از این‌روست که مواجهه با این پدیده و راهکارهای پیشگیری و کنترل آن در خانواده می‌تواند به کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز و آسیب‌های آن منجر شود؛ چراکه بهداشت روانی و سلامت اعصاب و روان آن‌ها در ایجاد جامعه‌ای سالم و عاری از خشم اثرگذار است.

به‌طورکلی وقتی از خشونت صحبت به میان می‌آید، منظور از آن فقط خشونت مردان علیه زنان یا کودکان نیست؛ بلکه هر نوع خشونتی را که افراد نسبت به یکدیگر در خانواده دارند شامل می‌شود؛ چه خشونت مردان علیه زنان، چه خشونت زنان علیه مردان و چه خشونت والدین نسبت به کودکان؛ چراکه معیارها و ملاک‌هایی که برای خشونت بیان شده است، شامل این موارد نیز می‌شود. آنچه در این میان اهمیت دارد، نقش هر یک از زن و مرد در پیشگیری یا درمان این رفتار است که در این مقاله سعی شده است به‌طور خاص به نقش زنان، آن‌هم از بعد آموزشی نسبت کاهش خشونت در خانواده پرداخته شود.

در زمینه خشونت تاکنون کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات مختلفی به رشته تحریر درآمده است. از جمله کتاب‌ها، «خشونت خانگی علیه زنان» از محمدرضا سالاری فر است که فقط خشونت علیه زنان را نشانه گرفته و به علل و راه‌های درمان آن اشاره کرده است؛ ولی مقاله حاضر به‌طور خاص به نقش آموزش زنان و به دیگر انواع رفتارهای خشونت‌آمیز در خانواده همچون خشونت زنان

علیه مردان نیز پرداخته است. از جمله پایان نامه ها نیز می توان به «بررسی زمینه های خشونت و راهکارهای پیشگیری از آن با رویکرد دینی» از علی مهدیخانلو اشاره کرد که به صورت خاص به رویکرد دینی این مسئله پرداخته و پدیده خشونت را به طور کلی مورد نظر قرار داده است؛ در حالی که مقاله حاضر به خشونت خانگی و درمان آن از ناحیه زنان پرداخته است.

از جمله مقالات در این زمینه نیز می توان به «حمایت از زنان در برابر خشونت های خانگی» از شهلا معظمی اشاره کرد که به نقش حمایتی دولت نسبت به خشونت علیه زنان پرداخته و نسبت به خشونت زنان علیه مردان و نقش زنان در کاهش آسیب پذیری این پدیده بیگانه است. به طور کلی این مقاله در پاسخ به این پرسش به نگرارش درآمده است؛ چگونه آموزش زنان در پیشگیری، کنترل یا درمان هریک از عوامل خشونت خانگی اثرگذار است؟

معناشناسی خشونت خانگی

یکی از مباحث مهمی که امروزه در ادبیات جهانی مطرح می شود، بحث خشونت نسبت به زنان و کودکان است. در اعلامیه حذف خشونت علیه زنان نیز نسبت به این مسئله ابراز نگرانی شده است (UN: ۴۸/۱۰۴).

خشونت پدیده ای جدید نیست ولی با توجه به پیامدهایی که به خصوص در نهاد خانواده دارد، بحث مهمی است؛ چراکه سعادت و پیشرفت جامعه در گرو سلامت آن است. این پدیده تأثیر منفی بر کودکان دارد و در بیشتر مواردی که والدین رفتار خشونت باری نسبت به یکدیگر یا کودک خود دارند، کودک دچار سرخوردگی شده و به صورت طبیعی نمی تواند به تحصیل و فعالیت اجتماعی مناسب خود بپردازد. چنین رفتاری در آینده او نیز اثرگذار است و گاهی انسانی با بغض فروخورده تحویل جامعه می دهد که ممکن است موجب بروز رفتارهای نامتناسب از جانب چنین فردی در جامعه شود.

خشونت در لغت معادل کلمه **Violence** (حق شناس و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۰۳) و به معنای درشتی، زبری، ناهمواری و تندخویی است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶: ۵۹۳) و در اصطلاح تعاریف مختلفی برای آن وجود دارد که یکی از آنها خشونت را عمل فرد معین یا جمعی از افراد و گروه خاص می داند که به جان یا مال یا شرف دیگران تعرض و حمله می کند (استیرن، ۱۳۸۰: ۲۰-۲۱).

با توجه به تعاریفی که در مورد خشونت ارائه شده است، می توان گفت که این پدیده آشکال مختلفی دارد و شامل آسیب فیزیکی، روانی، جنسی، اقتصادی و اجتماعی می شود. چنانچه دامنه خشونت صورت های پنهان و آشکار، هدفمند و بدون هدف را نیز در برمی گیرد (علاسوند، ۱۳۹۵: ۲۸۷).

در مورد خشونت خانگی نیز تعاریف مختلفی وجود دارد و در یکی از آن ها این چنین آمده است که خشونت خانگی عبارت است از بدرفتاری جسمی، جنسی و روانی که در مواردی مانند مزوی کردن اجباری، تحقیر، محروم ساختن از حمایت و تهدید به آسیب رسانی و زیر پا گذاشتن حقوق مربوط به تولیدمثل بروز می کند (مرتوس، ۱۳۸۲: ۲۲۶) و هدف اصلی چنین خشونت هایی در بیشتر موارد کودکان و به ویژه کودکان زیر شش سال و پس از آن زنان است. هرچند ممکن است که زنان نیز مرتکب خشونت شوند (گیدنز، ۱۳۷۶: ۴۳۸). پس از هر دو جهت می توان در مورد آن بحث کرد؛ هم به عنوان فرد آسیب دیده و هم فرد آسیب زننده؛ البته گاهی ادعا می شود که زنان به اندازه مردان رفتار خشن با همسر و کودکان خود دارند؛ ولی چنین ادعایی صحیح نیست و خشونت زنان از خشونت مردان محدودتر است و احتمال آسیب رسانی جدی و بادوام در آن ها کمتر از مردان است (گیدنز، ۱۳۷۶: ۴۳۹). به عبارت دیگر، احتمال رفتارهای خشونت باری که اثرات ماندگار جسمانی در فرد می گذارد، در مردان بسیار بیشتر از زنان است؛ بنابراین رفتارهای خشونت آمیز در زنان هم وجود دارد اما بیشتر از آنکه جسمی باشد، در غالب غر زدن های همیشگی، تحقیر کردن، دشنام دادن و در کل بیشتر به صورت کلامی است (علاسوند، ۱۳۹۵: ۲۹۰).

۱. خشونت خانگی از نگاه قرآن

خشونت خانوادگی ریشه ای به درازای خلقت انسان دارد. در اولین خانواده بشری خشونت به شکل قتل برادری توسط برادر دیگر بروز کرد (مائده: ۳۰). بر اساس آیات قرآن، حتی خانواده های رسولان و پیامبران نیز درگیر این نوع از خشونت بوده اند؛ مانند ظلم و خشونتی که برادران یوسف به ایشان روا داشتند (یوسف: ۹ و ۱۰). در آیات ۲۲۶ تا ۲۴۱ سوره بقره، رسوم خشونت باری که نسبت به زنان وجود داشته است، مورد نکوهش قرار گرفته و سنت های عاری از خشم جایگزین

آن‌ها شده است. به‌عنوان نمونه از تضييع حقوق زنان مطلقه‌ای سخن گفته است که همسران آن‌ها در آخرین روزهای سر آمدن عده به آن‌ها رجوع می‌کردند؛ ولی نه برای ازسرگیری زندگی؛ بلکه به انگیزه رنج و آزار و پیشگیری از ازدواج آن‌ها با افراد دیگر دست به این عمل می‌زدند و بارها این عمل را تکرار می‌کردند. قرآن کریم این عمل را به‌شدت مورد نکوهش قرار داده و آن را ظلم نامیده است (بقره: ۲۳۰). در آیات قرآن، چند شکل از خشونت ذکر شده است: خشونت والدین نسبت به هم، خشونت والدین نسبت به فرزندان (اسراء: ۳۱) و فرزندان نسبت به والدین (هود: ۴۳؛ یوسف: ۸۴ و ۸۵) و خشونت فرزندان نسبت به هم (مائده: ۳۰؛ یوسف: ۱۵). به‌عنوان نمونه برای خشونت والدین نسبت به هم می‌توان رفتار همسران نوح و لوط نسبت به ایشان را مثال زد (تحریم: ۱۱)؛ همچنان که می‌توان خشونت فرعون نسبت به همسرش حضرت آسیه (سلام الله علیها) را به‌عنوان خشونت مرد نسبت به زن مثال زد. در خانواده لوط و نوح، نوع خشونت، روحی و روانی است؛ چراکه همسر نوح با مجنون خواندن آن حضرت و همسر لوط به‌وسیله اینکه اخبار مهمانان جناب لوط را به قوم ایشان رساند، موجبات آزار همسران خود را فراهم کردند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۵۷۴). در خانواده فرعون، نوع خشونتی که به بانو آسیه (سلام الله علیها) وارد می‌آید از سنخ جسمی، روحی و روانی است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۵۷۵).

در زمینه خشونت راه‌های پیشگیری و درمان متنوعی وجود دارد که یکی از آن‌ها آموزش مناسب در این زمینه به زنان و مردان است و در این مقاله فقط به نقش آموزش زنان در کنترل و مهار خشم در خانواده پرداخته می‌شود و به همین منظور و برای تبیین بیشتر لازم است که عوامل خشونت در خانواده بیان شود.

عوامل خشونت در خانواده

به‌طور کلی می‌توان عوامل خشونت را در عناوین کلی زیر جستجو کرد:

الف) فردی و شخصیتی که شامل رفتارهای زیستی، اختلالات روان‌شناختی و شخصیتی مانند ناکامی، ضعف اخلاقی، اعتیاد و مصرف مواد مخدر، متغیر سن، هوش و تحصیلات می‌شود (سالاری فر و تیبک، ۱۳۸۹: ۹۵-۹۷).

ب) ارتباطی و تعاملی که جنسیت، یادگیری، نوع ازدواج، دخالت اطرافیان و مشکلات ارتباطی را در بر می گیرد.

ج) اجتماعی که عوامل فرهنگی، سیاسی و حقوقی نیز می توانند زیرمجموعه آن واقع شوند.

د) اقتصادی که زمینه های اقتصادی و وضعیت اقتصادی زنان و مردان از موارد و مصادیق آن به شمار می روند (سالاری فر، ۱۳۸۹: ۱۴۲-۱۹۰).

ه) خلأ معنوی که مصادیقی چون تهی شدن روابط انسانی از معنویت، رذیلت های اخلاقی همچون حسد، کینه، تعصب، نادانی، تکبر، غرور و باورهای ناروا و وسوسه های شیطانی را شامل می شود (مهدیخانلو، ۱۳۹۶: ۲۵-۴۸).

از نگاه قرآن کریم نیز می توان عوامل خشونت را در مواردی را برشمرد: حسادت (مائده: ۲۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۱: ۲۰۳-۲۰۴؛ یوسف: ۸-۹)؛ باورهای ناروا (نساء: ۱۹؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۴۰۲)؛ مشکلات اقتصادی (اسراء: ۳۱)؛ بیماری (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۶: ۳۹۸)؛ بدگمانی (یوسف: ۷۷؛ اعراف: ۱۵۰)؛ کبر و خودبینی (هود: ۴۳)؛ دنیادوستی (احزاب: ۲۸)؛ شهوت (نساء: ۲۲) و بدآموزی؛ زمانی که والدین با خشونت جسمی و روانی، به تحمیل خواسته های خود بر قربانی خشونت می پردازند و او را ملزم به پذیرش درخواست خود می کنند، دیگر افراد خانواده نیز با الگو گیری از این رفتار نادرست، این عمل را برای رسیدن به خواسته های خود تکرار می کنند. گاه دامنه این خشونت به اندازه ای وسعت می یابد که خود پدر و مادر نیز قربانی خشونت فرزندان می شوند. در عصر جاهلی نیز افراد انواع خشونت را از پدران خود در خانواده می آموختند. از این روست که در قرآن اشاره شده است که این افراد خود را پیرو دین پدران خود می دانستند و رفتارهای خود را به آنها نسبت می دادند (ر. ک: زخرف: ۲۲ و ۲۳؛ بقره: ۱۷۰؛ مائده: ۱۰۴).

ضرورت آموزش زنان در خانواده

امروزه، مردم جامعه با توجه به تغییر و تحولات به وجود آمده نسب به زمان گذشته، دیدگاه های متفاوتی نسبت به ازدواج، تشکیل خانواده و روابط زن و شوهر نسبت به یکدیگر و با فرزندان خود پیدا کرده اند. گذشته از پیامدهای منفی که این تغییرات با خود همراه ساخته است،

پیامدهای مثبتی هم در این زمینه وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به افزایش سطح تحصیلات زنان و تنوع و گسترش آموزش‌های آنان در زمینه مهارت‌های زندگی اشاره کرد.

به‌طور کلی سواد و تحصیلات مادران در ارتقای کیفیت زندگی خانواده نقش مؤثری را ایفا می‌کند. از تغذیه گرفته تا بهداشت و نرخ سلامت خانواده و نیز افزایش سطح تربیتی و تحصیلی فرزندان، با میزان تحصیلات یک زن به‌عنوان همسر و مادر ارتباطی تنگاتنگ دارند. تربیت و آموزش صحیح، حس تفاهم بین افراد را پرورش داده و قدرت خلاقیت برای پیش‌بینی و حل مسائل زندگی را افزایش می‌دهد.

در مورد سواد دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. مطابق تعریفی که یونسکو از سواد ارائه داده است، یکسری از پارامترها برای باسوادی معرفی شده است که عبارت‌اند از: سواد عاطفی (برای برقراری روابط عاطفی به‌خصوص با خانواده)؛ سواد ارتباطی (توانایی برقراری ارتباط و تعامل با تمامی اعضای جامعه)؛ سواد مالی (توانایی مدیریت اقتصاد درآمد)؛ سواد رسانه (تشخیص اخبار درست از نادرست و دیگر پیام‌های رسانه‌ای)؛ سواد آموزش و پرورش (توانایی تربیت فرزندان شایسته) و سواد رایانه‌ای (توانایی مهارت‌های هفتگانه رایانه‌ای). یونسکو در جدیدترین تعریف، باسوادی را توانایی تغییر دانسته و باسواد را کسی می‌داند که بتواند با دانستنی‌ها و خواننده‌های خود، تغییری را در زندگی خود ایجاد کند؛ بنابراین داشتن سواد خواندن و نوشتن، یا حتی اخذ مدرک دانشگاهی، دال بر باسواد بودن فرد نیست.

مطابق پژوهش‌های آماری، آموزش و یادگیری بانوان نقش مهمی در شناسایی موقعیت‌های خشونت‌آمیز و راه برون‌رفت از آن‌ها و نیز مقابله با رفتارهای مشکل‌آفرین دارد (فاطمه ذبیحی ولی‌آباد و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۸-۲۹). چنانچه در نظام خانواده، مطابق نظریه منابع در مورد خشونت خانوادگی، هر کس به منابع مهم خانواده که شامل تحصیلات، درآمد، شغل، مهارت و اطلاعات، بیشتر از دیگران دسترسی داشته باشد، می‌تواند به مدیریت مطابق خواست و میل خود پرداخته و تصمیم‌گیری‌های نهایی با اوست (اعزازی، ۱۳۸۰: ۱۹۳). آموزش و فراگیری دانش از محوری‌ترین برنامه‌های فردی و اجتماعی اسلام به شمار می‌رود؛ به‌طوری‌که نخستین آیه‌هایی که بر قلب حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) نازل شد، بیان‌کننده ارزش قلم و آموزش علم و دانش است

(علق: ۱؛ قلم: ۱). در آیات قرآن کریم آموزش علم و پرورش نفوس انسان‌ها از مهم‌ترین اهداف انبیای الهی برشمرده شده است (جمعه: ۲؛ آل‌عمران: ۱۶۴؛ بقره: ۱۵ و ۱۲۹). اهمیت آموزش از آنجایی روشن می‌شود که روزی حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) وارد مسجد شدند و با مشاهده دو گروهی که یکی به عبادت و دیگری به علم آموزش مشغول بودند، فرمودند هر دو کار خوبی می‌کنند؛ اما من برای تعلیم به رسالت مبعوث شده‌ام؛ ایشان سپس به گروهی پیوستند که مشغول مباحثه و مذاکره علمی بودند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۲۰۶). نقش عقل و علم و آموزش زنان به اندازه‌ای است که در سیره علوی نسبت به زنانی که مسئولیت شیردهی کودکان را به عهده می‌گیرند، توصیه شده است که از زنان کم‌خرد و نادان برای این امر استفاده نشود؛ زیرا ژن‌ها و خصلت‌ها از طریق شیردهی انتقال می‌یابند (حر عاملی، بی‌تا، ج ۲۱: ۴۶۷).

بنابراین عقل و دانش و فرهیختگی زنان در پرورش نسل و جامعه‌ای انسان‌مدار اثرگذار است. هر اندازه که سطح معرفت و دانش اجتماعی زن در خانواده بیشتر باشد، نسل آینده‌ای که در دامان این زن پرورش می‌یابد، موفق‌تر خواهد بود و ارتقای فکر و عمل جامعه را به دنبال خواهد داشت؛ چراکه فاقد شیء نمی‌تواند معطی شیء باشد. در تعالیم اسلامی نه تنها محدودیتی در تعلیم و تعلم زنان در عرصه‌های مختلف وجود ندارد؛ بلکه امکان پیشی گرفتن او در علوم از مردان نیز وجود دارد. در روایتی به نقل از امام صادق از امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این زمینه آمده است که چه بسا زنی که از مردی فقیه‌تر و داناتر باشد (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۱: ۱۷۷).

در اندیشه علوی و دیدگاه اسلامی، آموزش و علم‌آموزی اهمیت فراوانی دارد و در این زمینه تفاوتی میان مردان و زنان وجود ندارد؛ به گونه‌ای آموزش صحیح و تعلیم متناسب کودکان بر والدین واجب است (ر. ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۱۷)؛ بنابراین از جمله ضرورت‌هایی که برای زنان و مادران به جهت تدبیر شئون منزل و هدایت شایسته تربیت فرزندان وجود دارد، تجهیز به همه گونه علمی است که موردنیاز است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این زمینه تأکید می‌فرماید که از ازدواج با زنان نادان و بی‌دانش پرهیز شود (حر عاملی، بی‌تا، ج ۲۰: ۸۴).

در مکتب اسلام، خانواده مهم‌ترین محمل تولید علم و ارتقای دانش برای همه اعضا است. در این راستا یکی از حقوقی که فرزندان بر عهده پدر و مادر خود دارند، حق آموزش است (ر. ک:

مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱: ۹۲). زنان بر اساس یک الگوی جامع، نقش عمده‌ای در انواع آموزش‌های لازم و ضروری خانواده دارند. با تغییر و تبدیل اراده‌ها می‌توان جهان را به سوی دنیایی بدون خشونت هدایت کرد؛ چراکه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱). زمانی می‌توان اراده را به سوی خیرها و تحول‌های مثبت سوق داد که از اندیشه‌های نو برخوردار شود. از این‌روست که تا زمانی که تفکرات نادرست گذشته در میان انسان‌ها باقی بماند، هیچ تحول اساسی در احوال آن‌ها رخ نخواهد داد. زنان به‌عنوان عضو مهمی از جامعه، قابلیت‌های سرمایه‌گذاری علمی در سطح فردی و اجتماعی دارا هستند و نقش اساسی در ایجاد این تحول دارند.

آموزش از آنجایی اثرگذار است که بتواند موجب تغییرات نگرشی در فرد شود و به دنبال آن فهم دقیق‌تر، علمی‌تر و عمیق‌تری نسبت به مسائل اطراف را برای فرد به ارمغان آورد؛ چنانچه می‌تواند زمینه مقابله با آسیب‌پذیری را نیز فراهم کند. کسی که شناخت و آگاهی نسبت به ویژگی‌های جنس خود و نیز جنس مخالف خود دارد، درک درست‌تری از موقعیت‌های مختلفی که افراد با آن مواجه می‌شوند خواهد داشت و می‌تواند تصمیم درستی را در مواقع حساس زندگی اتخاذ کند. آموزش می‌تواند تغییرات ساختاری را نیز در پی داشته باشد و خانواده و جامعه را به سوی پیشرفت سوق دهد.

در زمینه آموزش لازم است به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود: چه کسی آموزش بدهد؟ چگونه آموزش بدهد؟ چه آموزش بدهد؟ به چه کسی آموزش بدهد؟ چرا باید آموزش بدهد؟ به همین منظور پس از بیان مصادیق خشونت در خانواده در ذیل آن به نقش آموزش زنان در هر مورد پرداخته می‌شود و در پایان به پرسش‌های مذکور پاسخ داده خواهد شد.

مصادیق خشونت در خانواده

۱. خشونت روانی (ملک افضلی و دیگران، ۱۳۸۳: ۶۵) از نمونه‌ها و مصادیق این نوع می‌توان به خشونت مردان علیه زنان به صورت تهدید، پرخاشگری، تحقیر و توهین به شخصیت زن، قهر و بی‌توجهی به عواطف او اشاره کرد. چنانچه تحقیر، فحاشی، تهدید مداوم به طلاق، سوءظن، قهر و

تبعیض بین خانواده خود و شوهر نیز از مصادیق خشونت زنان علیه مردان است. به طور کلی هرگونه رفتاری که به کرامت و سلامت روانی افراد آسیب برساند یا باعث آسیب عاطفی یا کاهش عزت نفس شود، می تواند از مصادیق خشونت روانی به شمار رود. هرچند بدون تردید یکی از اشکال بسیار بد خشونت، خشونت فیزیکی است؛ ولی باید دانست که آسیب های خشونت روانی نیز زیاد بوده و گاهی مدت ها این آسیب ها گریبان گیر فرد می شود و درمانی طولانی در انتظار فرد خشونت دیده است؛ بنابراین رفتار خشونت آمیز به صورت قوی نیز می تواند باشد.

شماری از آیات قرآن نیز به این نوع از خشونت اشاره دارند؛ مانند رفتاری که برادران یوسف نسبت به بنیامین داشتند و با دزد خواندن او به یوسف نیز نسبت دزدی دادند که این امر موجب ناراحتی و آزار روحی ایشان شد؛ هرچند که ناراحتی خود را در سینه نگاه داشت و بروز نداد (یوسف: ۷۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۴۹۲-۴۹۳).

الف) نقش آموزش زنان در پیشگیری از خشونت روانی

بالا رفتن سطح سواد بانوان در زمینه شناخت ویژگی های اخلاقی و رفتاری خود و طرف مقابل، می تواند او را به شناختی برساند که قبل از ازدواج بتواند این اختلالات و رفتارها را تشخیص داده و در انتخاب خود دقت کند. چنانچه پس از ازدواج نیز می تواند با ارائه راهکار در این زمینه به درمان این اختلالات و بهبود وضعیت، کمک کند. به همین سبب آموزش های روان شناختی زن و مرد و شناخت ویژگی های خاص هر جنس از اهمیت ویژه ای برخوردار است. شناخت نسبی تفاوت ها زمینه ایجاد کدورت بین افراد را از بین می برد و اگر چنین شناختی نباشد، زن نسبت به عدم بروز احساس مرد ناراحت شده و ممکن است خشمگین شود. چنانچه اگر مرد از ویژگی های اختصاصی یک زن آگاهی نداشته باشد، نیز همین اتفاق رخ خواهد داد. از این روست که شناخت طرفینی مانع انتظارات بیجای آن ها از یکدیگر می شود و به تعدیل انتظارات آن ها از یکدیگر کمک می کند (حق شناس، ۱۳۸۸: ۱۰۰).

ب) نقش آموزش زنان در درمان خشونت روانی

به طور کلی آموزش زنان در درمان این نوع از خشونت نیز بسیار مؤثر است. زنان در این نوع از خشونت، اگر فرد آسیب دیده باشند، می توانند با استفاده از خدمات مشاوره ای و مطالعه به

تسکین آلام خود پرداخته، شیوه مواجهه با خشونت را یاد بگیرند و به بازسازی روانی خود و جبران آسیب های آن اهتمام ورزند (احمدی و سلیمان اختیاری، ۱۳۸۹: ۲۳۷). البته راهکارهای درمانی در این زمینه فقط به گرفتن مشاوره یا مطالعه متون روانشناسی خلاصه نمی شود؛ بلکه توجه به راهکارهای دینی در این زمینه نیز می تواند راهگشا باشد؛ مانند توصیه هایی از این دست که زنان نباید خشم مردان را برانگیزند و توجه به اینکه از این رفتار به شدت نهی شده است (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰: ۲۱۳).

وقتی که زن این نوع از آموزش را دیده باشد در مواقعی که احساس تنش می کند و خشم طرف مقابل خود را می بیند، بسته به نوع شناختی که از او دارد، می تواند با سکوت خود یا گفتن کلمات آرام بخش، موجب تسکین و آرام سازی فضا شود. همچنین می تواند با استفاده از گیاهان و دمنوش های درمانی و آرام بخش و استفاده از عطر و عود و رایحه های خوش به تمدد اعصاب خود یا همسر خود کمک کند.

۲. خشونت اجتماعی؛ هر نوع استفاده مرد یا زن از طرف مقابل خود برای کنترل دیگری و سوءاستفاده از او می تواند از نمونه های این رفتار باشد. به عنوان نمونه، محدود کردن برقراری ارتباط مردان از جانب زنان و ارتباط زنان از جانب مردان با دوستان، آشنایان و اعضای خانواده از جمله این رفتار هستند (اعزازی، ۱۳۹۰: ۲۹۳).

الف) نقش آموزش زنان در پیشگیری از خشونت اجتماعی

فرهنگ سازی و آموزش رفتار صحیح ارتباطی در خانواده، از خود خانواده شروع می شود. مادری که آموزش های لازم در زمینه مهارت های زندگی را دیده باشد می تواند فرزندان با فرهنگ صحیح ارتباطی تربیت کند و آن ها را برای زندگی آینده آماده سازد و با توجه به آنچه توضیح داده شد، منظور از سواد در اینجا فقط سواد دانشگاهی نیست؛ بلکه هر نوع آموزشی که بر پایه مطالعه و کسب آگاهی های لازم در زمینه مهارت های زندگی باشد و زمینه ساز تغییرات مثبت را فراهم کند را نیز شامل می شود. پژوهش های بین فرهنگی حاکی از آن است که به هر میزان موقعیت اجتماعی افراد پایین تر باشد، فراوانی ابتلا به خشونت بیشتر خواهد بود (ابوت و کلر، ۱۳۸۰: ۴۵). هر زن، خود می تواند به عنوان یک رسانه در منزل به فرهنگ سازی اعضای خانواده در این زمینه کمک کند.

دین اسلام برای دفع و رفع خشونت علیه زنان، فرهنگ‌سازی کرده است. آموزش و توصیه به والدین برای پرورش اجتماعی مبتنی بر عدالت میان فرزندان و توجه ویژه به دختران برای جبران ضعف تاریخی جایگاه زنان نمونه‌هایی از این اقدام است (حر عاملی، بی‌تا، ج ۲۱: ۳۶۲-۳۶۴). همچنان که به مردان در مورد همسرانشان توصیه کرده است که نسبت به آن‌ها رفتار شایسته داشته باشند (نساء: ۱۹؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۸: ۱۰۸). یک زن در جایگاه مادری می‌تواند با به‌کارگیری توصیه‌های اسلامی نسبت به برخورد با فرزندان، نگاه احترام‌آمیز به دختران خانواده و نیز آموزش پسران خود برای نگاه کرامت‌آمیز نسبت به همسران نقش ویژه‌ای داشته باشد. چراکه نقش تربیتی مادر در خانواده بسیار زیاد است و تفکر فرزندان و سطح فرهنگ اعضای یک خانواده، بستگی مستقیم و فراوان به مادر دارد.

ب) نقش آموزش زنان در درمان خشونت اجتماعی

وقتی که زن در زمینه مهارت‌های ارتباطی آموزش لازم را دیده باشد، می‌تواند با برخورد صحیح خود به آرام‌سازی فضا کمک کند؛ به‌عنوان نمونه در مواقعی که زن می‌بیند همسرش به کنترل او می‌پردازد با دقت در علت این قضیه، حساسیت او را به حداقل برساند. چنانچه خود زن اگر چنین رفتاری را نسبت به همسرش دارد با پذیرش اشتباه خویش به درمان این برخورد ناصحیح از جانب خود اهتمام ورزد. صلح‌رحم و رفت‌وآمد با خویشاوندانی که فرهنگ صحیح زندگانی را خوب می‌دانند، نیز می‌تواند به‌صورت تدریجی در اخلاق و رفتار انسان اثرگذار باشد (شریف رضی، ۱۳۷۹: خطبه ۲۳)؛ بنابراین زن می‌تواند با دقت در رفتار و کردار اقوام و نیز دوستان، افراد با فرهنگ را انتخاب کند و به همسر خود پیشنهاد ارتباط خانوادگی با آن‌ها را بدهد. چنانچه استفاده از حمایت‌های اجتماعی خانواده و خویشان و نیز دوستان، برای حل مشکل خشونت کارساز بوده و در بازسازی شخصیت فرد خشونت دیده و اصلاح امور بسیار مؤثر خواهد بود (سالاری فر، ۱۳۸۹: ۲۹۸).

۳. خشونت اقتصادی؛ هر نوع سوء رفتار یا آزار از سوی هریک از طرفین که منجر به عدم دستیابی طرف مقابل به منافع اقتصادی شود، ازجمله خشونت اقتصادی به شمار می‌رود (میرزائی، ۱۳۹۳: ۷۷). این رفتار هم از جانب مردان می‌تواند در قالب اجبار به بخشش مهریه، نفقه ندادن،

مالکیت دارایی های زن و مواردی مانند آن رخ بدهد و هم از جانب زنان نسبت به مردان در قالب دخالت و پرس و جو در خرج کردن درآمد، منع کردن از دسترسی به درآمد و پس انداز خانواده، انتظارات و خواسته های فراتر از درآمد مالی شوهر، مالکیت دارایی شوهر، کنترل حساب بانکی و حقوق او و حتی مهریه های سنگین صورت می پذیرد. از این نوع خشونت در آیات قرآن نیز یاد شده است. به عنوان نمونه با اشاره به رسمی که در دوران جاهلیت وجود داشت و زنانی که همسرانشان از دنیا می رفتند را به زور عقد می کردند؛ بدون اینکه مهریه ای برای او تعیین کنند و نفقه اش را بپردازند، از این عمل نهی نموده است (نساء: ۱۹؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۵۰۷).

الف) نقش آموزش زنان در پیشگیری از خشونت اقتصادی

آموزش در زمینه حقوق مالی که یک زن بر عهده همسرش دارد، در کاهش این نوع از خشونت اثرگذار است. مطابق پژوهشی که در شهر تهران صورت پذیرفته است، متغیر درآمد ماهانه زنان با خشونت در خانواده رابطه منفی دارد و هرچه درآمد زن بیشتر باشد، خشونت علیه او کمتر است (اعظم آزاده و دهقان فرد، ۱۳۸۵: ۱۷۳). هرچند که این استقرا ناقص است ولی می توان یکی از موانع خشونت در خانواده را استقلال مالی زنان دانست. در مقابل گاهی همین استقلال مالی زنان در خانواده موجب بروز خشونت از جانب زنان علیه مردان می شود که این هم اگر کنترل نشود و آموزش های صحیح و کاربردی در اینجا نباشد، فضای خانه با تنش مواجه شده و گاهی نیز به جدایی کشیده می شود؛ بنابراین می توان گفت که استقلال مالی زنان به عنوان یک شمشیر دو لبه است که اگر با آگاهی و مهارت همراه نباشد، نه تنها مانع از خشونت نیست، بلکه موجب آن هم خواهد بود. آموزش در زمینه توجه دادن و دقت نمودن در انتخاب همسری که دارای صفت سخاوت است (حر عاملی، بی تا، ج ۲۱: ۵۴۶) و عاری بودن از بخل که واجد آن از بدترین مردان شمرده شده است (حر عاملی، بی تا، ج ۲۰: ۳۴)، توجه به مهریه های کم و توصیه به آن و خوش قدم دانستن زنانی که مهریه آن ها کم است (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳: ۳۸۷)، از توصیه های اسلامی و از عوامل پیشگیری نسبت به این نوع از خشونت است. در مقابل صفت حساست نسبت به زنان تقبیح نشده و چه بسا ممدوح شمرده شده است (شریف رضی، ۱۳۷۹: حکمت ۲۳۴). همچنین آموزش بانوان در زمینه قناعت و حفظ مال و دارایی های همسر و توصیه

به عدم تحمیل اموری که بیش از حد توان مرد است، نیز از جمله آموزش های اثرگذار است (حر عاملی، بی تا، ج ۲۰: ۲۱۲). این نکته به اندازه ای اهمیت دارد که در متون اسلامی، زنان به عنوان حافظ مال مردان به شمار آمده اند (نساء: ۳۴) و مطابق تفاسیر، منظور از حافظات للغیب، نقش زنان در حفظ حقوق، اموال و شئون شوهر در غیاب اوست (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۳: ۶۹). چنانچه یک زن با مهارت خود در پس انداز می تواند به خرید منزل و وسایل ضروری منزل کمک کند. به علاوه اینکه خود نیز می تواند در کسب درآمد مشارکت کند و مال و دارایی های خانواده را افزایش دهد. به عبارت دیگر، وقتی یک زن آموزش و مهارت اقتصادی در خانواده را کسب کرده باشد، با تدبیر و برنامه ریزی صحیح خود مانع از ایجاد این نوع از خشونت هم از جانب خود و هم از جانب همسر خود می شود.

ب) نقش آموزش زنان در درمان خشونت اقتصادی

زمانی که یک زن از حقوق خود آگاهی داشته باشد، می تواند نسبت به احقاق آن ها اقدام کند و از مشاوران و متخصصان در این زمینه کمک می گیرد که با توجه به نوع مشکل راهکارهایی را برای درمان آن ارائه می دهد یا با تدبیر خود از پس این مشکل فائق می آید. یکی از راهکارهایی که می توان در این زمینه ارائه داد، آموزش زنان نسبت به شیوه صحیح مذاکره با همسر، موقعیت شناسی و زمان شناسی مناسب برای صحبت با همسر است که می تواند به ریشه یابی و علت شناسی این نوع خشونت و نیز انواع دیگر خشونت بینجامد و اگر این مذاکرات مؤثر واقع نشد، روش های تغییر نگرش به او آموزش داده شود. منظور از تغییر نگرش در این نوع از خشونت، متوجه ساختن مرد نسبت به وظیفه ای که در مورد تأمین معاش و نیازهای زندگی زن دارد و احترام به حقوق و استقلال مالی زن و نیز تغییر نگرش زن نسبت به اینکه نباید فراتر از درآمد و توان مالی مرد از او درخواست کند و عدم پرس و جوی مداوم او از درآمد همسر و مواردی از این قبیل است.

۴. خشونت فیزیکی این نوع خشونت شامل انواع بدرفتاری فیزیکی و آزار جسمانی هریک از طرفین علیه فرد مقابل می شود؛ مانند کتک زدن زنان توسط مردان و کتک زدن مردان توسط زنان، پرتاب کردن اشیا و وسایل منزل، تهدید با ابزار و آلات آسیب زننده و خطرناک و در نهایت قتل

(اسکندری، ۱۳۹۱: ۸۵). آنچه در این میان برای تشخیص اثر خشونت اهمیت فراوانی دارد، تأثیرگذاری رفتار خشونت آمیز در زیبایی فرد است. افرادی که قربانی خشونت فیزیکی می شوند، گاهی به هیچ عنوان به شکل اولیه خود باز نمی گردند و زیبایی آن ها به طور کلی از بین می رود. به خصوص در مورد زنان که زیبایی در آن ها بسیار اهمیت دارد و با زندگی آینده آن ها ارتباط مستقیم پیدا می کند. از این روست که مسئله خشونت علیه زنان در عرصه بین المللی اهمیت ویژه یافته است و سندها و اعلامیه هایی برای حذف و محو آن تنظیم شده است. بالاترین نوع خشونت را می توان در این نوع از خشونت جستجو کرد؛ ضرب و جرح های شدید و فلج کننده، اسیدپاشی و قتل از بالاترین مراتب در این دسته اند که آثار و پیامدهای آن ها جبران ناپذیر است. در قرآن کریم نیز به این نوع از خشونت اشاره شده است؛ به عنوان نمونه در خانواده آدم، هابیل قربانی خشونت قایل شد (مائده: ۳۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۳: ۸۰)؛ یا در خانواده فرعون، آسیه (سلام الله علیها) از شدت خشونت جسمی و فیزیکی آرزوی شهادت کرد (تحریم: ۱۱؛ جوزیه، ۱۴۱۰، ج ۱: ۵۴۹).

الف) نقش آموزش زنان در پیشگیری از خشونت فیزیکی

یکی از مهم ترین دستاوردهای آموزش بانوان در این زمینه، عدم ایجاد حساسیت هایی است که منجر به این نوع از خشونت می شود. آموزش در اصلاح ساختار و روابط در خانواده نقش مهمی دارد و بانویی که آموزش ها و مهارت های کنترل خشم و خشونت را فرا گرفته است، می تواند بستر خانواده را به محیطی امن، آرام و بدون تنش تبدیل کند. آموزش شیوه مواجهه با چنین همسری، روش نقد صحیح با حفظ احترام متقابل و توجه به نیاز همسر از مهم ترین موارد آموزش در این زمینه است که می تواند مانع از خشونت فیزیکی شود (مولاوردی، ۱۳۸۵: ۲۷۵). بانویی که تحصیل کرده و باسواد است، پایگاه علمی و موقعیت اجتماعی خواهد داشت و همین موجب توانمندسازی او در برابر نابرابری ها می شود و برای برخی از کارها توانایی جمعی پیدا می کند. به عبارت دیگر، یکی از معیارهای توانمندسازی زنان، کسب آگاهی آن هاست (دفتر امور زنان ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل، ۱۳۷۲: ۱۴). در این زمینه راهکارهای دینی و اخلاقی نیز وجود دارد؛ به عنوان نمونه، در روایات بر این مطلب تأکید شده است که دختران خود را به افراد بد اخلاق ندهید (حر عاملی، بی تا، ج ۲۰: ۸۱) یا اینکه از ازدواج با شارب الخمر نهی

شده است (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴: ۱۸) چرا که با توجه به تحقیقاتی که در زمینه خشونت صورت پذیرفته است، یکی از عوامل خشونت در خانواده، استفاده از مواد الکلی و مخدر گزارش شده است (سالاری فر، ۱۳۸۹: ۱۵۱). چنانچه در مورد خشونت فیزیکی زنان علیه مردان نیز در روایات نهی شدیدی شده است و آن‌ها را از آسیب رساندن به مردان با دست و زبان بازداشته‌اند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴: ۲۴۰). با این توضیح، اگر زن اطلاع و آگاهی در این زمینه داشته باشد در انتخاب خود موقع ازدواج دقت‌های لازم را به عمل خواهد آورد و بیشتر می‌تواند به‌درستی یا نادرستی تصمیم خود برای ازدواج پی ببرد.

ب) نقش آموزش زنان در درمان خشونت فیزیکی

آموزش زنان در مواجهه با همسری که دست بزن دارد به کنترل این مشکل کمک خواهد کرد. وقتی که زن آگاهی‌های لازم را نسبت به نحوه رویارویی با این نوع از مردان داشته باشد، نسبت به درمان همسرش اقدام می‌کند و او را برای تحت درمان قرار گرفتن متقاعد می‌کند. در برخی از مواقع، نوع تغذیه، مشکلات در رابطه جنسی و عدم هماهنگی مزاجی زن و مرد در این زمینه، مشکلات روحی، جسمی، اقتصادی و کاری موجب بروز این نوع از خشونت می‌شود. پس با علت‌یابی این موضوع می‌تواند در حد توان به حل این معضل بپردازد یا آن را کنترل و مهار کند. آموزش‌های اخلاقی و دینی نیز در این زمینه مؤثر است؛ چنانچه سکوت به‌عنوان نخستین واکنش در مهار خشم معرفی شده است (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۶۸: ۳۵۹). توصیه‌های دیگری هم وجود دارد؛ مانند اینکه فرد خشمگین تغییر وضعیت بدنی بدهد، مثلاً اگر راه می‌رود، لحظه‌ای بایستد، اگر ایستاده، بنشیند و اگر نشسته، بخوابد (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۷۰: ۲۷۲). نمونه دیگر توصیه در مورد تماس بدنی با فرد خشمگین است که به‌عنوان عملی آرامش‌بخش یاد شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۰۲). موارد دیگری مانند تغییر موقعیت مکانی (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲: ۸) و گفتن بعضی از اذکار (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۹۲: ۳۳۹) نیز وجود دارد و با آموزش این راهکارها به زنان، توانایی کنترل و مهار خشم همسر و نیز آرام‌سازی و کنترل خشم خودش در آن‌ها نهادینه می‌شود.

۵. خشونت جنسی؛ این نوع خشونت بیشتر در متون فمینیستی مطرح می‌شود و منظور از آن هر نوع رفتار و عمل فیزیکی، بصری، کلامی یا جنسی است که زن یا دختر بعد از آن یا در زمان

آن، احساس تهدید یا ارباب کند و اثر آن تحقیر و ناراحتی او باشد؛ به گونه ای که توانایی برقراری تماس نزدیک و صمیمانه را از او سلب کند (ابوت و کلر، ۱۳۸۰: ۲۲۴). به دیگر سخن، تماس جنسی اجباری با زن به هر شکلی که باشد، در عنوان تجاوز و خشونت جنسی جای می گیرد (منیر و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۸). در ماده یک اعلامیه حذف خشونت علیه زنان نیز خشونت جنسی مطرح شده است (UN: ۴۸/۱۰۴).

از جمله مصادیق این نوع از خشونت در خانواده عبارت‌اند از: ایجاد رابطه زناشویی در زمان قاعدگی، رابطه از دُبر، تداوم بیش از حد روابط بدون توجه به خواست زن؛ عدم آماده‌سازی او برای این رابطه و عدم توجه به خواست زن برای ادامه رابطه یا برقراری آن. در نظریه فمینیستی، معیار سنجش خشونت، برداشت شخصی فرد بزه دیده است (اعزازی، ۱۳۸۰: ۲۷). برخلاف نظر اسلام نسبت به موضوع تمکین زنان که اگر به عسر و حرج نینجامد وظیفه اوست، در متون فمینیستی درخواست مرد از زن نسبت به رابطه زناشویی، اگر برخلاف میل زن باشد، مصداق خشونت جنسی به شمار می‌رود. در قرآن کریم نیز نسبت به این مسئله توصیه‌هایی وجود دارد و به‌عنوان نمونه مردان را از رابطه جنسی در زمان قاعدگی زنان نهی می‌کند (بقره: ۲۲۲؛ سبزواری، بی‌تا، ج ۱: ۷۲). در روایات نیز از این عمل نهی شده است و در فقه اسلامی برای ارتکاب آن جریمه مالی قرار داده شده است (عاملی، ۱۴۲۸، ج ۱: ۹۹).

الف) نقش آموزش زنان در پیشگیری از خشونت جنسی

عدم آگاهی زنان در مورد رابطه جنسی سالم، عاملی برای خشونت جنسی علیه آنان به شمار می‌رود؛ بنابراین آموزش صحیح آن‌ها قبل و بعد از ازدواج از راه‌های مؤثر و سالم می‌تواند از این نوع خشونت و آسیب‌های آن پیشگیری کند. تأمین نیازهای جنسی شوهر در وضعیت‌های مختلف و در حد امکان (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰: ۱۵۸)، برخورد مناسب و ملایم با همسر و پرهیز از تندی کلام و بالا بردن صدا (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰۰: ۲۳۲) در پیشگیری از خشونت جنسی مؤثر است (سالاری فر، ۱۳۸۹: ۲۸۸-۲۸۹).

ب) نقش آموزش زنان در درمان خشونت جنسی

دادن آگاهی لازم به زنان در مورد عوامل این نوع از خشونت، برای اقدام به برطرف کردن آن‌ها مؤثر است. یکی از آن عوامل، عوامل زمینه‌ای است که منظور از آن، شرایط و پیش‌زمینه‌های خارج

از روابط زوجین اما اثرگذار بر آن است و از وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه سرچشمه می‌گیرد؛ مانند رسانه‌های مستهجن، بینش کالا انگارانه، بیکاری، فاصله طبقاتی، بینش‌های نادرست و بدفهمی‌های منتسب به دین و فقدان آموزش جنسی سالم؛ (رضائی و آبدار، ۱۳۹۶: ۴۸-۵۱) آگاهی و دانش لازم را در این زمینه، کسی نمی‌تواند از او سوءاستفاده کند و درعین حال می‌تواند با به‌کارگیری دانش خود، به حفظ حریم خانواده و ارزش‌های خانوادگی کمک کند و محیطی آرام را برای خود و همسرش مهیا نماید.

شیوه‌های آموزش در قرآن کریم

با توجه به اینکه در هر کدام از اقسام خشونت، آموزه‌های قرآنی و فقهی در هر مورد از اقسام خشونت به‌صورت خاص توضیح داده شد، روش‌های پیشگیرانه و درمانگرانه در زمینه خشونت خانوادگی را می‌توان از قرآن کریم در قالب اصول کلی زیر استخراج نمود:

۱. روش‌های پیشگیرانه

روش‌های پیشگیرانه را می‌توان تحت عنوان انتخاب همسر با ایمان و عقیف در نظر گرفت. در آیات متعددی از قرآن کریم به این امر و انتخاب کفو مناسب و شایسته اشاره شده است. به‌عنوان نمونه آیه‌ای مانند ۳ و ۲۶ سوره روم از این قبیل هستند که در آیه آخر، فاجر در کنار مشرک قرار داده شده است و بنا بر روایات کسانی که اهل عمل فجور هستند در هنگام انجام فعل یادشده، از ایمان خارج شده‌اند. البته این حکم مطابق روایت برای کسی است که به عمل فجور شهرت دارد (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۵: ۸۵؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۷: ۲۳۶؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۹: ۱۴۳)؛ در برخی دیگر از آیات قرآن کریم انتخاب همسر با ایمان مورد تأکید قرار گرفته است و به‌گونه‌ای این امر مهم دانسته شده است که اگر مردی نتواند از زنان حر با ایمان همسری انتخاب کند، بهتر است که از زنان پاک‌دامن و با ایمان کنیز همسرگزیند (نساء: ۲۵؛ قرشی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۴۰۸) و این بهتر از این است از زنان آزادی که مشرک‌اند انتخاب کند (طوسی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۲۱۷)؛ برخی نیز این نهی را تحریمی دانسته‌اند و ازدواج با زنان مشرک را حرام می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۳۲). انتخاب همسری که با ایمان و دارای اخلاقی نیکوست، می‌تواند در کاهش خشونت در خانواده اثرگذار باشد و از بروز انواع خشونت در خانواده پیشگیری کند و هزینه‌های اضافی که

پس از ایجاد خشونت بر خانواده تحمیل می شود را مانع شود. توجه به نداشتن رفتارهای خارج از عفت و نامشروع نیز می تواند به عنوان یک اصل قرآنی برای پیشگیری از انواع خشونت کارا باشد. به عنوان نمونه در قرآن کریم از گرفتن دوست نامشروع به صورت پنهانی نهی شده است (نساء: ۲۵؛ رازی، ۱۳۷۶، ج ۵: ۳۲۴)؛ عدم رعایت این اصل می تواند باعث بروز انواع خشونت در خانواده شود و عفت و احسان در خانواده را دچار خدشه کند. انتخاب شایسته نه تنها به حکم شرع که بر اساس حکم عقل و خرد نیز مورد توجه بوده و تشکیل خانواده بدون داشتن ضابطه مورد پذیرش نیست. همسر خوب، عقیف، با ایمان و با اخلاق می تواند در اوج دادن همسر و فرزندان به سوی قله موفقیت ها اثر گذارد و در مقابل عدم توجه به این اصل می تواند شقاوت و انواع ناهنجاری ها را به دنبال داشته باشد و خانه ای که بنای آن قرار بر آرامش است را بر هم زند. به طور کلی اعتقاد، اخلاق، تقوا، طهارت باطن، خودداری از گناه، دوری از انحراف و فساد از معیارهای ایمان به شمار می رود.

یکی دیگر از روش های پیشگیرانه خشونت در محیط خانواده، اصل قرآنی «لَا تُضَارُّ وَالِدَهُ بَوْلًا لِّهَا وَلَا مَوْلُودًا لَهُ بَوْلًا» (بقره: ۲۳۳) است. در این آیه به این نکته اشاره می شود که زن و مرد نباید بچه را بهانه ای برای آزار طرف مقابل قرار دهند و در زمانی که زن و مرد به هر دلیلی قادر به ادامه زندگی مشترک نیستند و می خواهند از یکدیگر جدا شوند، حق حضانت و شیردهی فرزند برای مادر است؛ یعنی پدران حق ندارند که مانع ملاقات مادر و فرزند شده و فرزند را از حق شیر مادر محروم سازند. همچنان که زنان نیز نباید مانع از ملاقات فرزند با پدر شوند و نیز نباید در این زمینه آسیبی متوجه فرزند شود (طباطبایی: بی تا، ج ۲: ۲۴۱؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۱۱۴؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۲۷۴). همچنین اصل تراضی و مشورت در امور فرزند نیز که از همین آیه برداشت می شود (أندلسی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۵۰۷)، مانع از بروز خشونت است؛ بنابراین اگر مراعات های اخلاقی در این زمینه انجام شود، خشونتی صورت نمی پذیرد که برای درمان آن نیاز به صرف هزینه باشد.

اصل قرآن سکونت و ایجاد آرامش پس از ازدواج که برگرفته از آیه (روم: ۲۱) است، نیز از روش های پیشگیرانه خشونت در محیط خانواده و روابط زوجین است؛ زیرا شفقت و مهربانی بین

زوجین می‌تواند ظلم را از بین برده و عدالت را حاکم سازد (جزائری، ۱۴۲۴، ج ۴: ۱۶۸). در حقیقت اگر افراد آموزش ببینند که چگونه با به‌کارگیری و اجرای این اصول می‌توانند به ایجاد آرامش در خانواده کمک کنند، می‌توانند روابط خود را تنظیم کرده و از همان اول مانع از بروز خشونت در خانواده شوند؛ به‌ویژه اینکه این ایجاد آرامش در روابط بین زوجین به زنان نسبت داده شده است؛ زیرا از جنس خود همسران هستند (طوسی، ۱۴۱۳، ج ۸: ۲۴۰).

۲. روش‌های درمان‌گرانه

شیوه‌های درمان‌گرانه‌ای از آیات قرآن کریم برای درمان انواع ناهنجاری‌ها از جمله کاهش خشونت در خانواده برداشت می‌شود. یکی از آن اصول، جدال احسن است. جدال در لغت به معنای گفتگوی خصمانه آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۸۹) و از نظر برخی از مفسران به معنای آوردن حجت و برهان در هنگام مقابله با دشمن است (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۶: ۲۱۱). مطابق آموزه‌های قرآن کریم، تنها جدالی که احسن باشد مورد پذیرش است و منظور از آن جدالی است که از نظر بصیرت و اندیشه دارای حسن و زیبایی باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۳۵)؛ بنابراین بهتر است که در جدال لفظی به‌ویژه در خانواده از بهترین و عقلانی‌ترین معانی و الفاظ زیبا و نیکو و فاقد خشونت و نیز استدلال‌های قانع‌کننده استفاده کرد. همین امر می‌تواند به کاهش خشونت در خانواده کمک کند. به کار بردن واژه احسن در قرآن کریم، برای مبالغه در حسن است و می‌تواند اشاره به این امر داشته باشد که از تمام جهاتی که یک مجادله غیر احسن دارد، لازم است پرهیز شود و بهترین شکل جدال که می‌تواند استفاده از حکمت و موعظه‌ی نیکو باشد (نحل: ۱۲۵) به کار گرفته شود (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲۰: ۱۸۱).

افزون بر آن، اصل دفع به احسن نیز می‌تواند یکی دیگر از اصول درمان‌گرانه در زمینه خشونت باشد (فصلت: ۳۴). مطابق نظر برخی از مفسران، دفع به احسن، مربوط به حیطة رفتار بوده و به صفاتی مانند صبر و چشم‌پوشی از خطاها اشاره دارد (مبیدی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۶۶۶؛ بغدادی، ۱۳۱۵، ج ۳: ۲۷۶). با توجه به آیات مذکور در زمینه جدال و دفع احسن می‌توان گفت که در قرآن کریم به این نکته توجه شده است که همان‌گونه که مؤمنان در اخلاق لازم است متخلق به بهترین شیوه و در رفتار متوجه به‌کارگیری بهترین مضمون باشند، در جدال نیز که هر دو جنبه گفتار و رفتار را

به همراه دارد لازم است بهترین آن‌ها به کار گرفته شود که یک زن مؤمن می‌تواند نقش مهم و اساسی در سوق دادن جدال به این سمت و سوی داشته باشد.

یکی دیگر از اصول مهم در زمینه خشونت که بیشتر به جنبه درمانی آن اشاره دارد، اصل قرآنی «عاشروهن بالمعروف» (نساء: ۱۹؛ بلاغی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۵۹-۶۰) است. معاشرت در لغت به معنای «با هم زندگی کردن و آمیختن» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸: ۱۳۷) و معروف نیز در لغت اسم مفعول از واژه «عُرف» و به معنای «خیر و رفق و احسان» و «آن چیزی است که موجب تسکین نفوس» است. معروف در هر چیزی مطابق خودش تعبیر می‌شود و به‌طورکلی شامل هر نوع خیر، صلاح، فلاح، زیبایی، فریضه و هر آنچه مورد تحسین عقلایی است، می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸: ۹۸-۹۹).

جناب شیخ طوسی، معاشرت به معروف را ادای حقوق واجب زنان از جانب مردان دانسته است (طوسی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۱۵۰). ولی به نظر می‌رسد با توجه به اینکه معاشرت از باب مفاعله است، معاشرت معروف در خانواده رفتاری دوسویه از طرف زن و مرد با یکدیگر است که در بحث تربیت فرزندان نیز می‌تواند بسیار اثرگذار باشد. همچنان که در مناسبات اجتماعی نیز این یک اصل اساسی به شمار می‌رود. یکی از مصادیق معاشرت به معروف، استفاده از الفاظ محبت‌آمیز (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۴: ۱۰)، رفتار نیکو و آراستن ظاهری همسران برای یکدیگر (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱: ۴۳۵)، چشم‌پوشی و گذر از لغزش‌ها (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۹: ۳۹۴) و نیز پرداخت نفقه و هزینه‌های زندگی زنان از جانب مردان (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۴: ۱۱۲) است و حسن معاشرت موجب آرام ساختن روان و گوارایی زندگانی می‌شود. برخورد و معاشرت نیکو با خانواده از مواردی است که در قرآن کریم واجب شمرده شده است (نساء: ۱۹؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۵: ۹۴؛ سیوری، بی‌تا، ج ۲: ۲۸۷).

توجه به معروف و لزوم رفتار متناسب با عرف نیکو و موردپذیرش عقلا در موارد متعددی از آیات قرآن کریم که اشاره به مناسبات خانوادگی دارد، بیان شده است. به‌طوری‌که از سی‌وهشت موردی که واژه معروف به کار رفته است، نوزده مورد آن مرتبط با رفتارهای مردان و زنان در امور خانوادگی است. مواردی همچون امساک یا جدایی به معروف در بحث طلاق (طلاق: ۲؛ ابن

عاشور، بی تا، ج ۲۸: ۳۰۷)، پرداخت نفقه و خوراک و پوشاک مطابق معروف (بقره: ۲۳۳؛ زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۵۸)، رفتار نیکو با همسر پس از بازگشت به زندگی زناشویی (بقره: ۲۲۹؛ سیوطی، بی تا، ج ۱: ۶۶۴)، پرداخت مهریه بر طبق معروف (نساء: ۲۵؛ طباطبایی، بی تا، ج ۴: ۲۶۹) و قول معروف (بقره: ۲۶۳، طباطبایی، بی تا، ج ۲: ۳۸۹) از آن جمله اند. این برخورد به معروف در مورد روابط پدر و مادران با فرزندان (بقره: ۲۳۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۶: ۴۶۲) و فرزندان با والدین نیز مورد توجه قرار گرفته است (لقمان: ۱۵؛ قرطبی، ج ۱۴: ۶۵).

با توجه به این همه سفارش قرآنی در مورد معاشرت به معروف و موارد دیگر توجه به معروف و با کنار هم قرار دادن این آیات با آیه «وَاللَّائِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ» (نساء: ۳۴)، می توان نتیجه گرفت که این نوع از رفتارها نیز در راستای معاشرت نیکو باید باشد و با توجه به مراتبی بودن این امر و قرار داشتن «ضرب» در مرتبه آخر که مراتب دیگر برای رسیدن به نتیجه کارایی نداشته اند، به نظر می رسد که این موارد برای حفظ خانواده است و برای حل خصوصی ترین مشکل یک خانواده که به راحتی قابلیت اثبات ندارد بیان شده است (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۲: ۶۵۳؛ علاسوند، ۱۳۹۵: ۲۷۳). در حقیقت این امر به خاطر حفظ مصلحت مهم تر که حفظ نظام خانواده است آمده است و در روایات اسلامی آزار رسانی به زنان در غیر موارد نشوز و زدن همراه با خشونت نهی شده است (نوری، ۱۴۰۴، ج ۱۴: ۲۴۹-۲۵۰).

در مورد کیفیت این ضرب نیز اشاره شده است که باید به حداقل اکتفا شود (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۰: ۷۲) و نیز نباید آسیب زننده باشد و در روایات آمده است که با وسایلی مانند چوب مسواک این عمل صورت پذیرد که فقط جنبه تأدیب داشته باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۴: ۵۸). این ضرب باید به گونه ای باشد که موجب حل مشکل نشوز و بازگشت زن به رفتارهای مناسب زناشویی و عواطف و احساسات او به همسر شود؛ در غیر این صورت اگر این ضرب به گونه ای باشد که به زن آسیب جدی وارد کند، نه تنها رغبت زن را برای ترک نشوز برنمی انگیزد؛ بلکه موجب تنفر و ناراحتی او می شود.

ضمن اینکه این ضرب نباید موجب آسیب جدی جسمانی به بدن زن شود و فقها بر این مطلب فتوا داده‌اند که این ضرب نباید حتی موجب سرخ شدن یا سیاه شدن بدن زن شود (خمینی، ۱۳۶۶، ج ۳: ۵۴۳-۵۴۴).

در مواردی نیز برای مراتبی از خشونت در اسلام مجازات قرار داده شده است که این مجازات‌ها در قالب تعزیر، حد، قصاص و دیه بیان شده است. افزون بر آن برای این گونه رفتارهای خشونت‌آمیز از جانب شارع اعلام مجازات اخروی شده است که نشان از ناخشنودی دین از مسئله خشونت دارد (نوری، ۱۴۰۷، ج ۱۴: ۲۵۰؛ علاسوند، ۱۳۹۵: ۲۹۶). این امر تا جایی مهم است که حتی در عرصه‌هایی مانند جنگ که اعمال خشونت مجاز است، در دین اسلام از عبور از حد اعتدال و توجه به حب و بغض در این زمینه پرهیز داده شده است و در این زمینه به مهار خشونت توصیه شده است. به‌عنوان نمونه حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) هنگام آغاز جنگ، افسران خود را فراخوانده و آن‌ها را از آسیب به زنان، کودکان، افراد مسن و گیاهان بر حذر می‌داشتند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰: ۲۵۱)؛ بنابراین مواردی مانند ضرب زنان یا زدن فرزندان برای ادب کردن آن‌ها برای حفظ نظام خانوادگی قرار داده شده است و در آن‌ها باید اولاً مراتب اثرگذاری رعایت شود و ثانیاً از انواع خشونت‌ها و حب و بغض‌ها پرهیز شود و هدف از آن اصلاح امور باشد. از این رو برخی از فقها این امر را از مصادیق نهی از منکر دانسته و درجایی که احتمال تأثیر وجود ندارد، قائل‌اند که مرد حق ندارد زن را تنبیه بدنی کند (نجفی، ۱۴۰۰، ج ۱: ۱۳۳). ضمن اینکه برخی از فقها مانند آیت‌الله مکارم بر این باورند که ممکن است این حکم برای برخی از زنان که از نظر روانکاوان حالت‌های مازوشیسم دارند و تنها از راه تنبیه مختصر بدنی به آرامش می‌رسند، باشد (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۷۳-۳۷۴).

با توجه به توضیحاتی که ارائه شد، نسبت به پرسش‌هایی که در ابتدای مقاله مطرح شد، پاسخ‌ها و پیشنهادهایی ارائه می‌شود.

بنابراین در پاسخ به این پرسش که چه کسی باید آموزش بدهد؟ باید گفت مهم‌ترین افراد در این زمینه، خانواده هستند و پس از آن افراد آگاه و تحصیل کرده در زمینه مهارت‌های خانواده‌اند که بهتر است این آموزش‌ها در قالب دوره‌های مختلف صورت پذیرد.

اما نسبت به پرسش چگونگی آموزش، پیشنهاد می شود به صورت عملی و در قالب کارگاه های اجباری قبل و در هنگام ازدواج و نیز پس از آن آموزش داده شود و به آموزش های تئوری صرف در این زمینه بسنده نشود.

در اینکه چه چیزی را باید آموزش داد؟ باید گفت که آموزش در زمینه های مختلفی می تواند باشد که با توجه به هریک از عوامل خشونت می توان نوعی از آن را تبیین کرد. محتوای آموزش را می توان با توجه به آموزه های قرآنی تحت عناوین عدل، احسان، افزایش آستانه تحمل و بردباری و به طور کلی آموزش های دینی و اخلاقی برشمرد. افزون بر آن آموزش اصول روابط مناسب در خانواده، آموزش شیوه های مقابله با استرس (تنیدگی) در زندگی، آموزش و مهارت در زمینه شناخت علل، موقعیت ها و علائم خشونت همسر، آموزش کمک به همسر در مهار خشم، آموزش مسئولیت زن در موقعیت خشم مهارناپذیر همسر، آموزش مسئولیت زن پس از رفتار خشونت آمیز همسر و آموزش اصلاحات نگرشی در مردان خشونت ورز از آموزش های ضروری در این زمینه به شمار می روند (سالاری فر، ۱۳۸۹: ۲۴۸-۲۵۹).

چنانچه آموختن مهارت هایی که به عشق، مهربانی، تعلق، اعتماد، وفاداری، امنیت و لذت در زندگی زناشویی کمک می کند و نیز آموختن مهارت های زندگی همچون مهارت خودآگاهی، همدلی، روابط بین فردی، ارتباط مؤثر، مقابله با استرس، مدیریت بر هیجان ها، حل مسئله، تصمیم گیری، تفکر خلاق و تفکر نقادانه برای یک زن ضروری به نظر می رسد و در پیشگیری و کنترل پدیده خشم مؤثر است.

به عبارت دیگر، در مهارت خودآگاهی می توان به یک شناخت نسبی در مورد خود رسید و مهارت همدلی در درک شرایط دیگران به فرد کمک خواهد کرد؛ حتی در زمانی که خود انسان در آن شرایط قرار ندارد. مهارت روابط بین فردی در توانایی ایجاد و حفظ رابطه دوستانه و قطع روابط اجتماعی ناسالم نقش بسیار مهمی دارد و در سلامت روانی و اجتماعی و روابط گرم خانوادگی به عنوان یک منبع حمایتی عمل می کند. همچنین آموزش مهارت ارتباط مؤثر در ارتباط کلامی یا غیرکلامی و مناسب با فرهنگ جامعه به فرد کمک می کند که بتواند نظرها، خواسته ها، هیجانات، عقاید و نیازهای خود را ابراز کند و به هنگام نیاز از دیگران درخواست کمک و

راهنمایی کند و مهارت مقابله با استرس در شناخت استرس های مختلف و تأثیر آن ها در فرد اثرگذار است. در مهارت مدیریت بر هیجان ها نیز فرد یاد می گیرد که در هنگام مواجهه با هیجان هایی مانند خشم در خود و دیگران، واکنش مناسبی نسبت به آن ها داشته باشد. مهارت حل مسئله به فرد کمک می کند که به درستی به حل مسئله پرداخته و با مهارت تصمیم گیری می تواند در موارد حساس زندگی، تصمیم درست و مؤثری را اتخاذ نماید. مهارت تفکر خلاق نیز به دو مهارت قبلی کمک کرده و این توانایی را به فرد می دهد که از ورای تجارب مستقیم خود به مسائل زندگی نگاه کند و حتی در مواقعی که تنش در خانواده وجود ندارد و مشکل خاصی در بین نیست، با سازگاری و انعطاف بیشتر به زندگی روزمره خود بپردازد. چنانچه در تفکر نقادانه، شیوه صحیح نقد به فرد آموزش داده می شود و او را در تحلیل اطلاعات و تجارب توانمند می سازد (راد فر و حمیدی، ۱۳۸۷: ۳-۷).

در پاسخ به این پرسش که به چه کسی باید آموزش داد، باید گفت که این آموزش ها هم برای زنان و هم مردان باید باشد و توصیه می شود. توضیح آنکه خشونت با کاهش عزت نفس، افسردگی، احساس پوچی و مشکلاتی از این دست ارتباط مستقیم دارد و زندگی فرد را تحت الشعاع قرار می دهد و به هر میزان سواد زنان افزایش یابد، به همان نسبت توانایی برخورد با آسیب های اجتماعی در آن ها نیز افزایش می یابد. به همین سبب به اعتقاد روانشناسان و مشاوران، اگر این آموزش ها از دوران نوجوانی شروع شود، فرد در دوران بزرگسالی نسبت به برخورد با چالش هایی از این دست، موفق تر خواهد بود (میرزائی، ۱۳۹۳: ۸۳)؛ اما انتخاب زنان به عنوان افراد مورد آموزش در این پژوهش به دلیل نقش مهم و اساسی آن ها در امر تربیت فرزند است. همچنان که آماده سازی بستر مناسب برای تربیت در محیطی آرام و بدون تنش های ناشی از مشاجره های مداوم و خشونت بار نیز در پرتو درایت و نوع آگاهی زن در محیط خانواده است. در حقیقت مدیریت محیط خانه و ایجاد امنیت روانی در آن، منوط به آگاهی زنان در برخورد با انواع خشونت و راهکارهای پیشگیری از آن است.

یکی از پیشنهادهایی که در این زمینه می شود، برگزاری دوره هایی با هدف نشان دادن اختلالات رفتاری و نحوه تشخیص آن است که بهتر است از دوران متوسطه آغاز شده و در

واحدهای تحصیلی آموزشی دانشگاهی نیز تعریف شود. به عبارت دیگر، در هر رشته‌ای که یک زن برای تحصیل انتخاب می‌کند، این نوع از آموزش لازم و ضروری به نظر می‌رسد. البته که هم برای مردان و هم زنان، ضروری است که چنین آموزش‌هایی را به‌عنوان اولویت برای خود قرار دهند و بدان اهتمام ورزند.

این آموزش‌ها به دو صورت مداخله‌ای تک‌بعدی در زمینه مهارت‌آموزی متمرکز بر زنان برای انجام ماهرانه و منظم رفتارهای صحیح و نیز به‌صورت ترکیبی می‌تواند باشد که مطابق بررسی‌ها، برپایی جلسات آموزشی و مداخله‌ای ترکیبی همراه با ایفای نقش، توزیع بروشور یا کارت جیبی یا نمایش فیلم در مقایسه با مداخلات تک‌بعدی اثربخشی بیشتری دارد (احمدی و سلیمان اختیاری، ۱۳۸۹: ۲۴۷). انتشار دفترچه‌های کوچک در زمینه آگاهی بخشی به زنان، نصب پوستر در اتوبوس‌ها و اماکن عمومی با تأکید بر بدی خشونت و رفتارهای خشونت‌آمیز نیز می‌تواند مؤثر باشد (معظمی، ۱۳۸۳: ۲۴۷).

اما در پاسخ به این پرسش که چرا باید آموزش داده شود باید گفت که فقدان آگاهی و ضعف مهارتی از مهم‌ترین موانع حل مشکل خشونت در خانواده به شمار می‌رود. زندگی خانوادگی نیازمند گذشت، بردباری و انعطاف زیادی است. توجه دادن همسران و به‌طور خاص توصیه به صبوری زنان در مواجهه با خشم و خشونت شوهر و وعده پاداش اخروی که امیدبخش است (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰۰: ۲۴۷)، می‌تواند در بازسازی روحیه زنان پس از خشونت مردان کارساز باشد. چنانچه آگاهی انسان از پیشامدهای طبیعی همچون تفاوت‌های فرهنگی، تربیتی و ژنتیکی، فرد را برای رویارویی با مشکلات آماده ساخته و مانع از بروز اختلاف و به دنبال آن مانع از خشونت در خانواده می‌شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه ارائه شد، روشن می‌شود که خشونت خانوادگی مسئله‌ای قدیمی و جهانی است و در اشکال مختلفی می‌تواند ظهور و بروز داشته باشد. تاکنون در جهان اقدامات مختلفی برای حذف خشونت به‌خصوص برای زنان و کودکان صورت پذیرفته است و اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های مختلفی در این زمینه شکل گرفته و به رشته تحریر درآمده است. در قرآن نیز به این نکته توجه شده و با عباراتی همچون «عاشروهن بالمعروف» به نگاه اسلام در مورد مبارزه با خشونت اشاره شده است. فهم معنای عاشروهن بالمعروف یعنی حسن معاشرت در آموزه‌های قرآنی در پرتو جایگاه خشونت و فهم معنای آن یکی از مهم‌ترین نتایجی است که این تحقیق به آن دست یافته است. خشونت در همه اشکال خود امری نادرست است و از مصادیق ظلم به شمار می‌رود. از این رو می‌توان جدای از ادله موجود در دین اسلام و نیز دیگر ادله، از استدلال و قوه عقل برای تقبیح آن بهره گرفت. زنان به‌عنوان عضو اثرگذار در نهاد خانواده و نیز اجتماع می‌توانند با گذراندن آموزش‌های مختلف برای پیشگیری یا درمان خشونت در خانواده اقدام کنند؛ زیرا یکی از ارکان مهم در تربیت فرزند، مادران هستند و ایجاد محیط آرامش‌بخش به دست زنان است که در پرتو معاشرت به معروف زن و شوهر نسبت به یکدیگر در محیط خانواده به دست می‌آید؛ بنابراین توجه به دو رکن اساسی حقوق و اخلاق برای تضمین آرامش در زندگی خانوادگی می‌تواند بسیار مؤثر باشد. با توجه به پژوهش‌های میدانی در این زمینه، آموزش و آگاهی به زنان در حل مشکل خشونت اثر جدی داشته است.

منابع

۱. *قرآن کریم.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، (بی تا)، **التحریر و التنویر**، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۳. ابن کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹ ق)، **تفسیر القرآن العظیم**، محقق محمدحسین شمس‌الدین، بیروت: دار الکتب العلمیه، الطبعة الأولى.
۴. ابن بابویه قمی، (شیخ صدوق)، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ق)، **من لا یحضره الفقیه**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۵. ابوت، پاملا؛ والاس کلر، (۱۳۸۰)، **جامعه‌شناسی زنان**، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
۶. استیرن، فرانسوا، (۱۳۸۰)، **خشونت و قدرت**، ترجمه بهنام جعفری، تهران: مرکز چاپ و انتشارات.
۷. اسکندری، عبدالکریم، (۱۳۹۱)، **موقعیت حقوقی زنان بزه دیده در فقه و حقوق**، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول.
۸. اعزازی، شهلا، (۱۳۸۰)، **خشونت خانوادگی، «زنان کتک‌خورده»**، تهران: نشر سالی.
۹. _____، (۱۳۹۰)، **دگرگونی در نقش‌های زنان (مجموعه مقالات)**، تهران: نشر علم، چاپ اول.
۱۰. آندلسی، أبو حیان محمد بن یوسف، (۱۴۲۰ ق)، **البحر المحیط فی التفسیر**، تحقیق محمد جمیل صدقی، بیروت: دار الفکر.
۱۱. بغدادی، علاء‌الدین علی بن محمد، (۱۴۱۵ ق)، **لباب التأویل فی معانی التنزیل**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۲. بلاغی نجفی، محمدجواد، (۱۴۲۰ ق)، **آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن**، قم: بنیاد بعثت، چاپ اول.

۱۳. جزائری، جابر بن موسی، (۱۴۲۴ ق)، *أيسر التفاسير لكلام العلي الكبير*، المدینه المنوره: مکتبه العلوم والحکم، الطبعه الخامسه.
۱۴. جوزیه، ابن قیم محمد بن ابی بکر، (۱۴۱۰ ق) *تفسیر القرآن الکریم*، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن، (بی تا)، *وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*، تحقیق شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۶. حق شناس، جعفر، (۱۳۸۸)، *آسیب شناسی خانواده*، تهران: مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری، چاپ اول.
۱۷. حق شناس، علی محمد، حسین سامعی، نرگس انتخابی، (۱۳۹۶)، *فرهنگ معاصر هزاره*، انگلیسی-فارسی، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ سی ام.
۱۸. خمینی، سید روح الله، (۱۳۶۶)، *تحریر الوسیله*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۹. دفتر امور زنان ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل (یونیسف)، (۱۳۷۲)، *نقش زنان در توسعه*، تهران: روشنگران.
۲۰. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، *لغت نامه*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۲۱. راد فر، شکوفه، فریده حمیدی، (۱۳۸۷)، *راهنمای آموزش مهارت های زندگی*، ویژه مدرسین، تهران: پژوهشکده مهندسی و علوم پزشکی جانبازان، چاپ اول.
۲۲. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، (۱۳۷۴)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تصحیح محمدجعفر یاحقی، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، *مفردات الألفاظ القرآن*، بیروت: دار القلم.
۲۴. زحیلی، وهبه بن مصطفی، (۱۴۱۸)، *التفسیر المنیر فی العقیده والشریعه والمنهج*، دمشق: دار الفكر المعاصر، الطبعه الثانيه.

۲۵. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷)، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دارالكتاب العربی.
۲۶. سالاری فر، محمدرضا، (۱۳۸۹)، *خشونت خانگی علیه زنان*، قم: نشر هاجر، چاپ اول.
۲۷. سالاری فر، محمدرضا، محمدتقی تیبیک، (۱۳۸۹)، *مقابله با خشونت خانگی علیه زنان*، قم: مرکز تحقیقات زن و خانواده، چاپ دوم.
۲۸. سبزواری، ملا محمدباقر بن محمد، (بی تا)، *ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد*، قم: موسسه آل البیت لإحياء التراث، چاپ اول، بی تا.
۲۹. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (بی تا)، *الدر المثور*، بیروت: دار الفکر.
۳۰. سید قطب، ابراهیم حسین الشاربی، (۱۴۱۲ ق)، *فی ظلال القرآن*، بیروت: دار الشروق.
۳۱. سیوری، جمال الدین المقداد، (بی تا)، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، قم: منشورات المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریّه.
۳۲. شریف رضی، *نهج البلاغه*، (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات عهد، چاپ اول.
۳۳. شوکانی، محمد بن علی الیمنی، (۱۴۱۴ ق)، *فتح القدير*، بیروت: دار ابن کثیر، الطبعة الأولى.
۳۴. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی.
۳۵. _____، (بی تا)، *تفسیر المیزان*، قم: اسماعیلیان.
۳۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۵ ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۳۷. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفه.
۳۸. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۳ ق)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۹. عاملی، زین الدین، (۱۴۲۸ ق)، *الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه*، قم: مجمع الفکر الإسلامی، ط الرابعه.

۴۰. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، **تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، تصحیح گروه پژوهش مؤسسه آل البیت، قم: مؤسسه آل البیت، چاپ اول.
۴۱. علاسوند، فریبا، (۱۳۹۵)، **زن در اسلام**، قم: نشر هاجر، چاپ اول.
۴۲. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰)، **التفسیر الکبیر**، بیروت: دار الإحياء التراث العربی، ط الثالثه، ۱۴۲۰ ه.ق.
۴۳. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۹۱)، **تفسیر احسن الحدیث**، قم: دفتر نشر نوید اسلام، چاپ اول.
۴۴. قرطبی، أبو عبدالله محمد بن أحمد، (۱۴۰۵ ق)، **الجامع لأحكام القرآن**، تحقیق أحمد البردونی و إبراهيم أطفیش، قاهره: دار الکتب المصریة، الطبعة الثانية، ۱۳۸۴ و بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۵. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، **الکافی** (ط- الإسلامیه)، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
۴۶. گیدنز، آنتونی، **جامعه شناسی**، (۱۳۷۶)، ترجمه منصور صبوری، تهران: نشر نی.
۴۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۱۰ ق)، **بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار (ع) اصفهانی**، بیروت: مؤسسه الطبع و النشر، چاپ اول.
۴۸. _____، (۱۴۰۳ ق)، **بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار (ع) اصفهانی**، تحقیق السيد إبراهيم الميانجي، محمد الباقر البهبودی، بیروت: دار الإحياء التراث العربی، چاپ سوم.
۴۹. مرتوس، جولی، (۱۳۸۲)، **آموزش حقوقی انسانی زنان و دختران**، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: دنیای مادر.
۵۰. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸)، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، **تفسیر نمونه**، چاپ سی و دوم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۵۲. منیر، محمد داود، و سیمه بادغیسی، عبدالکریم صالحی، علی احمد کاوه، (۱۳۸۸)، *خشونت خانوادگی، عوامل و راهکارهای مقابله با آن*، تهران: شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر، چاپ اول.

۵۳. مولاووردی، شهیندخت، (۱۳۸۵)، *مقابله با خشونت در کشورهای اسلامی*، تهران: نشر حقوقدان، جمعیت حمایت از حقوق بشر زنان، چاپ اول.

۵۴. میدی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱)، *کشف الأسرار و عده الأبرار*، تحقیق علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم.

۵۵. نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۰ ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام*، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ ششم.

۵۶. نوری، محدث، میرزا حسین، (۱۴۰۸ ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، تصحیح گروه پژوهش مؤسسه آل البيت (ع)، بیروت: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول.

۵۷. Violence Against Women: South African legal expert takes over as new UN Special Rapporteur ۱۹۹۳، ۲۰ دسامبر، U.N./ ۴۸/۱۰۴.

مقالات

۵۸. احمدی، بتول؛ یلدا سلیمان اختیاری، (۱۳۹۰)، «*اثربخشی مداخلات آموزش سلامت برای پیشگیری از خشونت خانگی علیه زنان*»، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۰، صفحات ۲۳۷-۲۵۷.

۵۹. اعظم آزاده، منصوره، راضیه دهقان فرد، (۱۳۸۵)، «*خشونت علیه زنان در تهران: نقش جامعه‌پذیری جنسیتی، منابع در دسترس زنان و روابط خانوادگی*»، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، شماره ۱۴، بهار و تابستان ۸۵، صفحات ۱۵۹-۱۸۹.

۶۰. ذبیحی ولی‌آباد، فاطمه، حسین اکبری امرغان، مسعود خاکپور، معصومه مهرآفرید، غلامرضا کاظمی، (۱۳۹۶)، «*اثربخشی درمان شناختی رفتاری بر نستوهی و کیفیت زندگی زنان قربانی خشونت خانگی*»، فصلنامه علمی- پژوهش زن و جامعه، سال هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶، صفحات ۱۵-۳۴.

۶۱. رضایی، مهدی؛ شیرین آبدار، (۱۳۹۶)، «خشونت جنسی در خانواده: یک پژوهش کیفی»، پژوهشنامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هشتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۶، صفحات ۳۵-۵۹.
۶۲. معظمی، شهلا، (۱۳۸۳) «حمایت از زنان در برابر خشونت های خانگی»، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۳، صفحات ۲۲۳-۲۵۰.
۶۳. ملک افضل، حسین، مرتضی مهدی زاده، احمدرضا زمانی، زیبا فرج زادگان، (۱۳۸۲)، «بررسی انواع خشونت خانوادگی نزد زنان در شهر اصفهان، سال ۱۳۸۲»، مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی، سال ۱۴، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۳، صفحات ۶۳-۶۷.
۶۴. مهدیخانلو، علی، (۱۳۹۶)، «بررسی زمینه های خشونت و راهکارهای پیشگیری از آن با رویکرد دینی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اصول دین، گروه علوم قرآن و حدیث.
۶۵. میرزائی، رحمت، (۱۳۹۳)، «بررسی وضعیت خشونت خانگی در زنان مراجعه کننده به مراکز قضایی شهرستان پاره»، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، زمستان، شماره ۲، صفحات ۶۱-۸۸.